

## فصل دوم

### تأثیر اندیشه بر اوضاع

ذهن انسان را می‌توان به باغی تشبیه کرد که می‌توان در آن هوشمندانه کِشت کرد یا آن را به حال خود رها ساخت؛ اما در هر صورت، این باغ محصول می‌دهد. اگر بذرهای مفید در آن کاشته نشود، بذر علف‌های هرز در آن به بار می‌نشیند و به تولید مثل ادامه می‌دهد.

درست همان‌گونه که یک باغبان از باغ خود نگهداری می‌کند، علف‌های هرز آن را وجین می‌کند و در آن گل و میوه‌های دلخواه خود را می‌کارد، انسان هم می‌تواند از باغ ذهن خود نگهداری کند، افکار غلط، بی‌فایده و نادرست را ریشه‌کن کند و افکار صحیح، مفید و سالم را جایگزین آن

کند. انسان با پیگیری این روند، دیر یا زود درمی‌یابد که باغبان جان و گرداننده‌ی زندگی خویش است. همچنین، با شناسایی افکار مخدوش و معیوب خود به کشف این حقیقت نائل می‌شود که نیروی فکر و اندیشه چگونه شخصیت، شرایط و سرنوشت او را شکل می‌دهد.

اندیشه و شخصیت یکی هستند و همان‌گونه که شخصیت به واسطه‌ی محیط و شرایط نمود می‌یابد و آشکار می‌شود، شرایط محیط زندگی انسان هم همواره با احوال درونی او هماهنگ و مرتبط است. البته این مطلب به این معنا نیست که شرایط انسان در هر مقطع زمانی خاص نشانگر شخصیت کلی او است، بلکه به این معناست که آن شرایط چنان ارتباط تنگاتنگی با برخی از عناصر اساسی اندیشه‌ی او دارند که در آن مقطع زمانی برای رشد او واجب و ضروری هستند.

هر آدمی در جایگاهی قرار دارد که قانون هستی او حکم می‌کند؛ افکاری که شخصیت او را شکل داده او را به آن جایگاه رسانده‌اند. بخت و اقبال هیچ نقشی در جایگاه زندگی او ندارند، بلکه موقعیت زندگی او تابع قانونی است که خطا و

## آ انسان که انسان می‌اندیشد! / ۲۳

اشتباهی در آن راه ندارد. این مطلب، هم در مورد اشخاصی که از موقعیت خود ناراضی هستند صدق می‌کند و هم درباره‌ی آنان که نسبت به آن رضایت دارند.

انسان در مقام موجودی در حال رشد و تکامل در جایگاهی قرار می‌گیرد تا مگر این نکته را دریابد که می‌تواند رشد کند؛ و به محض این که درس معنوی موجود در هر موقعیت را یاد بگیرد، آن موقعیت جای خود را به موقعیتی جدید خواهد داد.

انسان مادامی که خود را بنده‌ی شرایط بیرونی بداند اسیر دست روزگار خواهد بود، اما وقتی دریابد که نیرویی خلاق و سازنده است و می‌تواند به خاک و بذره‌های نهانی وجودش که شرایط از آن جوانه می‌زند فرمان دهد، ارباب و حاکم برحق زندگی خودش می‌شود.

هر انسانی که مدتی خویشتن‌داری و تزکیه‌ی نفس را آزموده باشد می‌داند که شرایط محصول اندیشه است، زیرا متوجه این نکته شده است که تغییر شرایط نسبتی مستقیم با